

رمضان؛ ماه نزول قرآن و صعود انسان

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

به تعبیر اهل معرفت، ماه مبارک رمضان دار ضیافت الهی و یکی از منازل سالکین إلى الله است. «سلوک إلى الله» سیر معنوی روح به سوی خدا و تقرب به اوست که البته این سیر و این تقرب، دارای درجات و مراتبی است.

گام اول: تجلیه

این سیر و سلوک چهار قدم دارد. اهل معرفت از قدم اول تعبیر می کنند به «تجلیه»، یعنی آراستن ظاهر به آداب شرع و عمل کردن به دستورات شارع مقدس در ماه مبارک رمضان، یعنی همین روزه گرفتن و آداب ظاهریه. پس گام اول، تجلیه است.

گام دوم: تخلیه

گام دوم در این سیر، «تخلیه» است. تخلیه پیراستن است نه آراستن، پیراستن باطن از رذائل اخلاقی و چه بسا

پاک کردن و منزه کردن نفس از آثار آثام، یعنی سیئات و گناهان. چه بسا اولین دعایی که در مورد اولین روز ماه مبارک رمضان وارد شده که شخص روزه دار می خواند، اشاره به همین مسئله تخلیه دارد، چون خود را تخلیه کرده، یعنی روزه گرفته و به آداب ظاهریه عمل کرده است و حالا از خدا می خواهد که او باطنش را از این آثار پیرایش کند؛ لذا در روز اول ماه مبارک رمضان این دعا را می خوانیم:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ وَ قِيَامِي قِيَامَ الْقَائِمِينَ وَ نَبِّهْنِي فِيهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ وَ هَبْ لِي جُزْمِي يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَ اغْفُ عَنِّي يَا عَافِيًا عَنِ الْمُجْرِمِينَ».

این دعا به همین قدم دوم، یعنی تخلیه اشاره دارد.

گام سوم: تخلیه

گام سوم که از آن تعبیر به «تخلیه» می کنند، این است که انسان روح را به صفات ملکوتیه کمالیه آرایش دهد و خودش را متخلّق به اخلاق الهیه کند که این هم دارای مراتبی است.

گام چهارم: فناء فی الله

گام چهارم مرحله ای است که اهل معرفت از آن به «فناء فی الله تعالی» تعبیر می کنند و مرادشان این است که روح سالک، از اِثِّیت در شهود حق فانی شود؛ چه در ارتباط با فعل، چه صفت و چه ذات. این تعبیر را به کار می برند که فناء فی الله عبارت است از: «فانی شدن روح از اِثِّیت در شهود حق». از نظر مسیر معنوی، این آخرین منزل سیر و سلوک است.

ماه رمضان: ماه نزول قرآن و صعود انسان

ماه مبارک رمضان هم ماه «نزول» است و هم ماه «صعود». این را که ماه نزول است، چون در قرآن و در دعاهای ماه مبارک رمضان مطرح است که کلام الهی - قرآن کریم - در این ماه، از مصدر وحی بر نبی مکرم اسلام (ص) نازل می شود که خداوند به وسیله همان کلمات، انسان ها را در جمیع ابعاد پرورش می دهد و می سازد. در سوره دخان می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» (1) و در سوره قدر می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ». (2) در سوره بقره هم می فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ». (3)

«قوس نزولی» در ماه مبارک

در اکثر دعا‌های ماه رمضان به این «قوس نزولی» اشاره شده است. ماه مبارک رمضان، ماه نزول کلام الهی است. به تعبیر دیگر، ماه رمضان، ماه سخن گفتن ربّ است با عبدش، یعنی ماهی است که رب برای ساختن عبدش و راهنمایی او به سوی قرب خویش با او سخن می گوید و سخن گفته است؛ بنابراین قرآن در ماه مبارک رمضان نازل شد و به تعبیر اهلش به صورت «جُمْلَةً واحدة»، یعنی به طور کلی و یکپارچه، در شب قدر، بر قلب پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرود آمد. این همان قوس نزولی این ماه است.

«قوس صعودی» در این ماه

اما ماه مبارک رمضان همچنین ماه صعود است، یعنی درست برعکس آن «قوس نزولی» که اشاره شد، اینجا «قوس صعودی» مطرح است. یعنی این ماه، ماه کلام عبد با ربّ است. بدیهی است که عبد در همه اوقات می تواند با ربّ خودش سخن بگوید، ولی یک موقعیت خاصی هست که این سخن گفتن، از نظر سازندگی، بُرد بیشتری پیدا می کند.

دعا، الهام خداست

این نکته طریف را هم که عبد در چه قالبی می تواند با ربّ خود سخن بگوید، خود ربّ به اولیایش الهام می کند و اولیاء الهی آن الهامات را در قالب خاصی می ریزند و نحوه سخن گفتن با ربّ را به عبد می آموزند. قرآن خطاب به توست. نمی خواهی پاسخ بدهی؟

خدا در ماه مبارک رمضان با تو صحبت کرده و کلامش را بر پیغمبر فرو فرستاده و پیغمبر هم قرآن را به ما تحویل داده و گفته است که اینها حرف هایی است که خدا با شما زده است. خدا در این خطاب هایی که در قرآن هست، مثل «یا أَیُّهَا النَّاسُ» و «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا»، به من و تو خطاب می کند و از اول تا آخر با ما سخن می گوید. آیا نمی خواهیم پاسخش را بدهیم؟ او در ماه مبارک رمضان با ما سخن گفته است، ما هم باید در این ماه با او سخن بگوئیم. هم قوس نزول است و هم قوس صعود. ماه رمضان ماه کلام ربّ و عبد است. در این باب روایات فراوانی وارد شده اند.

سفارش به «زیاد دعا کردن» در این ماه

در این باب دو روایت را که در «فروع کافی» است، از «وسائل الشیعه» نقل می‌کنم. روایت اول از امام صادق (علیه السلام) است که فرمود:

«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) عَلَيْكُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِكَثْرَةِ الْإِسْتِغْفَارِ وَ الدُّعَاءِ؛» (4) «بر شما باد در ماه رمضان به کثرت دعا و استغفار».

در روایت دیگر آمده است:

«كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) إِذَا كَانَ شَهْرُ رَمَضَانَ لَمْ يَتَكَلَّمْ إِلَّا بِالْدُّعَاءِ؛» (5) حضرت امام سجاد (علیه السلام) در ماه مبارک رمضان اصلاً صحبت نمی‌کرد، مگر اینکه تمام جملاتی که از ایشان صادر می‌شد مضامین دعایی داشت. ما در این زمینه روایات بسیاری داریم، بنابراین آنچه که در ماه مبارک رمضان وظیفه عبد است، سخن گفتن با ربّ خود است.

«تجلیه، تخلیه و تحلیه» زمینه ساز سخن گفتن بنده با خدا

در باب ماه مبارک رمضان روایات زیادی داریم که ناظر به آن مطلب اول، یعنی بحث مراحل سیر و سلوک است. از نظر ظاهری که خودمان را به همین آداب ظاهری آراسته کرده ایم و دهانمان را از خوردن و آشامیدن بسته ایم. این همان قدم اول یعنی تجلیه است. اما آنچه مهم است گام های دوم و سوم، یعنی تخلیه و تحلیه است. اینهاست که زمینه را فراهم می‌کند برای اینکه بتوانیم با خدای خود حرف بزنیم. از الطاف الهیه این بوده که آنچه را که مایحتاج عبد است تا بتواند با خدای خودش حرف بزند، پیشاپیش عنایت کرده است.

سرریز شدن رحمت الهی در این ماه

در روایتی آمده است:

«إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْإِفْطَارِ سَبْعِينَ أَلْفَ أَلْفِ عَتِيقٍ مِنَ النَّارِ كُلُّ قَدٍ اسْتَوْجَبَ النَّارَ فَإِذَا كَانَ آخِرُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أُعْتِقَ فِيهَا مِثْلُ مَا أُعْتِقَ فِي جَمِيعِهِ.» (6) خداوند در ماه رمضان هنگام افطار هفتاد هزار نفر از افرادی را که مستحق آتش هستند نجات می‌دهد و در شب آخر از این ماه به اندازه تمام کسانی که در طول این یک ماه نجات داده است، از آتش جهنم نجات می‌دهد. همه اینها نشانه سرریز شدن فضل و رحمت الهی در این موقعیت زمانی است.

در روایت دیگری آمده است: «إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ غَفَرَ اللَّهُ لِمَنْ شَاءَ مِنَ الْخَلْقِ فَإِذَا كَانَتْ اللَّيْلَةُ الَّتِي تَلِيهَا صَاعَفَهُمْ فَإِذَا كَانَتْ اللَّيْلَةُ الَّتِي تَلِيهَا صَاعَفَ كُلَّمَا أُعْتِقَ حَتَّى آخِرَ لَيْلَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَصَاعَفَ مِثْلُ مَا أُعْتِقَ

فِي كُلِّ لَيْلَةٍ». (7) یعنی هر شب، بیش از شب قبل، تعداد بیشتری از بندگان را تطهیر می کند تا حجاب های ظلمانی آنها برطرف شود. اینها همه مقدمه سخن گفتن عبد است با رب خود.

ماه مخصوص ارتباط دو طرفه خدا و بنده

اهل معرفت گفته اند که یک «قرآن نازل» داریم و یک «قرآن صاعد». آن کلام ربّ است با عبد، این کلام عبد است با ربّ، هر دو هم قرآن است. بنابراین ماه رمضان اختصاص به ردّ و بدل شدن سخنان بین «ربّ و عبد» و «عبد و ربّ» دارد. از آن طرف، قرآن نازل شده است و از این طرف هم قرآن صاعد - بالا رونده - را داریم که عبارت است از آن راز و نیازهایی که بندگان صالح خداوند و اولیاء خاصّ حق - به اذن ربّ - با او داشته اند.

آداب ظاهری ماه رمضان، زمینه ساز ارتباط با خدا

ما از آن سخن گفتن ها، به «ادعیه ماثوره» ائمه اطهار تعبیر می کنیم. ماه رمضان، ماه «قرآن» و «دعا»ست و این آداب ظاهری که در این ماه داریم، همه برای فراهم کردن زمینه همین رابطه «ربّ و عبد» و «عبد و ربّ» است تا با یکدیگر سخن بگویند. از طرف عبد به سوی ربّ، تقاضا و طلب و سؤال و درخواست است، یعنی «دعا». پس دعا سخنی بین عبد و ربّ است، یعنی بنده با پروردگارش صحبت و از او درخواست می کند.

ندا، دعا و نجوا

در مناجات هایی که از ائمه اطهار (علیه السلام) نقل شده است، دو مناجات هستند که همه ائمه (علیه السلام) آن را می خواندند: یکی مناجات شعبانیه است، یکی هم مناجاتی است که با این جملات شروع می شود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ...» (8). مرحوم مجلسی (رحمه الله) در بحارالأنوار نقل می کند که این مناجات از علی (علیه السلام) است و همه ائمه هم آن را می خواندند. علی (علیه السلام) اول صلوات می فرستد و بعد شروع می کند به گفتن آن جملات تا به اینجا می رسد که «وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَيْتُكَ». اینجا دیگر بحث «مناجات» است. «ندا» یعنی اینکه انسان کسی را با صدای بلند فرا بخواند. «دعا» هم با صداست، اما صدای بلند نیست. «مناجات و نجوا» بی صداست، لذا اینجا تعبیر می کند «وَأَقْبِلْ عَلَيَّ»، دیگر نمی گوید «وَأَسْمَعْ»؛ چون مناجات جنبه صوتی ندارد و صدا و آهنگ ندارد، بلکه یک امر درونی و قلبی است. این از تعبیرات زیبا و لطیف حضرت علی

(علیه السلام) است. البته هم دعا و هم ندا و هم نجوا، نوعی رابطه دو طرفه هستند، ولی این تفاوت ها را با یکدیگر دارند.

عدم اجابت دعا به خاطر وجود حجاب ها

بحث دیگری که در اینجا مطرح می شود، بحث حُجُب و موانع دعاست. ندا، دعا و مناجات، «بین اثنی» هستند و ممکن است گاهی اوقات چیزی مانع از این رابطه دو طرفه شود.

گناه؛ حجاب دعا

گاهی اعمالی چون گناه، حجاب اجابت دعا می شوند، یعنی معصیت هایی از ناحیه اعضا و جوارح ما صادر می شوند که مانع اجابت دعا هستند و لذا «اطاعت» با «اجابت» رابطه دارد. اگر مطیع خدا شدیم، خداوند هم درخواست ما را می پذیرد. از آن طرف، معصیت مانع اجابت دعا می شود. دروغ، غیبت، مال مردم را خوردن و امثال این محرمات، مانع اجابت دعا هستند.

حجاب های باطنی دعا

برخی از ملکات و امور هم درونی و مانع اجابت دعا هستند. این موانع مربوط به ملکات سیئه درونی عبد است که موجب می شود که گوش دل، راز الهی را نشنود. ماه مبارک رمضان ماه «راز و نیاز» است، راز از ربّ است و اظهار نیاز از عبد. حجابی از ناحیه ربّ نیست. حجاب از ناحیه عبد است و باید این حجاب را برطرف کند. این حجاب ها و موانع با چه مقامی از مقام های معنوی برطرف می شوند؟

باز شدن درهای آسمان و رفع تمام موانع ارتباط ربّ و عبد

روایت از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که: «إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفْتَحُ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لَا تُغْلَقُ إِلَّا آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ». (9) درهای آسمان در اولین شب از شب های ماه مبارک رمضان باز می شود و تا آخرین

شب از شب های این ماه هم بسته نمی شود. «سما» اشاره به جهت علوی از عوالم وجودی و آن نشئه برتر عالم وجود است. ما در این «دنیا» در عالم ناسوت هستیم که پست ترین عوالم وجود است. در روایت آمده است که خدا شب اول ماه مبارک رمضان درهای آسمان را باز می کند، یعنی از ناحیه آن عوالم برتر وجودی، هیچ مانع و حاجبی در کار نیست، پس هر چه حجاب و مانع هست، از طرف ماست. او راز می گوید، اما گوش من نمی شنود. برای رفع این حجاب ها چه می توان کرد؟

«مقام رضا»، ثمره نهایی روزه

در حدیث معراج داریم که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وقتی به معراج رفت، در آنجا خطاب شد: «يَا أَحْمَدُ هَلْ تَعْلَمُ مَا مِيرَاثُ الصَّوْمِ؟» ای احمد! می دانی روزه چه اثری در پی دارد و چه چیزی به ارث می گذارد؟ «قَالَ: لَا. ثُمَّ قَالَ: مِيرَاثُ الصَّوْمِ قَلَّةُ الْأَكْلِ وَ قَلَّةُ الْكَلَامِ وَ مِيرَاثُ الصَّوْمِ أَنَّهَا تُورِثُ الْحِكْمَةَ وَ هِيَ تُورِثُ الْمَعْرِفَةَ وَ تُورِثُ الْمَعْرِفَةَ الْيَقِينَ فَإِذَا اسْتَيْقَنَ الْعَبْدُ لَا يُبَالِي كَيْفَ أَصْبَحَ بِعُسْرِ أَمْ بِيُسْرِ فَهَذَا مَقَامُ الرَّاضِينَ»؛ روزه دو اثر دارد، یکی ظاهری که همان کم خوردن است و دومی که بالاتر است، کم صحبت کردن و سکوت که ما به آن «صوم صمت» می گوییم. اگر انسان جلوی زبانش را بگیرد و مراعات زبانی داشته باشد، حکمت پیدا می کند. میراث حکمت هم معرفت است و یقین که مقدمه «مقام رضا»ست، یعنی مقامی با آن می توان حجاب ها را برطرف کرد.

روزه ای برای همه، حتی ناتوان ها و پیرها

من به آن کسانی که از نظر شرعی معذورند و نمی توانند روزه بگیرند و غصه می خورند که از برکات صوم و ماه مبارک رمضان محروم شده اند، می گویم که این یک دیدگاه و نگرش مادی است. روزه، فقط نخوردن و نیاشامیدن نیست. برای شما هم روزه وجود دارد. آنچه بالاتر از «قَلَّتْ اَكْل» و کم خوردن است، جلوی زبان را گرفتن است. یک ماه رمضان، از اول تا آخر غیبت نکنیم، دروغ نگوئیم، تهمت ننزیم، جلوی آفات زبانمان را بگیریم، کسی را آزار ندهیم. میراث صوم این است. بله، اگر صحت مزاج داریم و عذر شرعی نداریم، قَلَّتْ اَكْل هم در کنارش هست تا درد و الم گرسنگی و تشنگی را بچشیم که آن هم آثاری دارد.

«روزه شکمی» و «روزه معنوی»

در روایات داریم که فردی خدمت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: «من روزه هستم.» حضرت به او فرمود: «استفراغ کن!» دید همین طور دارد تکه تکه گوشت از حلقش بیرون می آید. پرسید: «این چیست؟» حضرت فرمود: «غیبت کرده ای! این روزه نیست.» این روزه نیست. روزه شکمی هست، ولی روزه معنوی نیست.

«صمت» اصلاً حرف نزدن نیست!

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «وَمِيزَاتُ الصَّمْتِ أَنَّهَا تُورِثُ الْحِكْمَةَ»؛ یعنی میراث سکوت، حکمت است. پس معلوم می شود منظور از این «صوم صمت» که در روایات هست، «حرف نزدن» مطلق نیست، بلکه مراد همان «قَلَّتْ کلام» و پرهیز از بیهوده گویی است. اتفاقاً بعضی جاها باید حرف بزنیم. باید با خدا حرف بزنیم. باید دعا بخوانیم. نه اینکه هر چیزی را که از دهانمان بیرون بیاید، بگوییم. آن چیزی را که حُجُب را برطرف می کند و ما را به «مقام رضا» می رساند، مراقبت کنیم.

پی نوشت ها :

- 1- سوره مبارکه دخان، آیه 3.
- 2- سوره مبارکه قدر، آیه 1.
- 3- سوره مبارکه بقره، آیه 185.
- 4- وسائل الشیعة 10، 304؛ الکافی 4، 88.
- 5- وسائل الشیعة 10، 309؛ الکافی 4، 88.
- 6- وسائل الشیعة 10، 317.
- 7- إقبال الأعمال 3.
- 8- بحار الأنوار 91، 96.
- 9- مستدرک الوسائل 7، 42.

نشریه پاسدار اسلام، مرداد 1391، شماره 368